## از شیطان رانده شده بخدا پناه می برم

## بنام خدا بخشنده مهربان

# نماز یا مدیتیشن؟

(در این مقاله در آیه های قرآنی برای ترجمه از سایت parsquran.com استفاده شده است. تعدادی از خوانندگان ایراد گرفته بودند که من از ترجمه غلط اســتفاده می کنم . به همین خاطر و جهت رفع هر گونه ابهامی، از ترجمه دیگری اســتفاده می کنم . هر چند از نظر من ، هر ترجمه ای استفاده شود فرقی ندارد. مطالب آنقدر واضح است که نمیتوان انکار کرد.)

## ۱) نماز یا مدیتیشن؟

**شاید شنیده باشید که بعضی ها میگویند :**

***نماز همان مدیتیشن است!***

***نماز تفکر در آیات و نشانه های خداست!***

***نماز یعنی خواستن خواسته ها از خدا!***

***حرکات نماز زیاد مهم نیست!***

***اوقات نماز مهم نیست!***

***میتوان بدون سجده و رکوع نماز بجا آورد!***

***همینکه قرآن بخوانی و در آن تفکر کنی، یعنی نماز خوانده ای!***

***انجام امور خیریه یعنی نماز خواندن!***

***اینکه در هرکاری خدا را یاد کنی یعنی نماز!***

***نماز در من بی تاثیر است!***

***چون قشر متدین نماز بجا می آورند، من نماز بجا نمی آورم زیرا نمی خواهم شبیه آنان باشم!***

**و ...**

**این مقاله در این رابطه نوشته شده است تا ثابت شود که نماز هیچکدام از موارد بالا نیست و هیچکدام از دلایل بالایی ربطی به نماز ندارند. به امید خدا بعد از مطالعه این مقاله دید جدیدی نسبت به نماز پیدا خواهید کرد و از این به بعد جزو جدانشدنی زندگی شما خواهد بود.**

**متاسفانه گمراهی بشریت از آنجا آغاز شد که نسبت به دستورات خدا بی توجهی میشود و مردم متاسفانه بعد از مدتی اصل مساله را تغییر می دهند. مهمترین رکن دین تمام پیامبران نماز بوده است. نماز از آن جهت مهم است که حتی پیامبران هم برای زندگی در این جهان به آن نیاز داشته اند و بر انجام آن اصرار ورزیده اند. رکنی که پیامبران برای خوشبختی به آن نیاز داشته اند، را چطور مردم عادی از آن بی نیاز خواهند بود! نکته مهم این است که خدا به نماز ما نیاز ندارد، بلکه این خودماییم که به نماز نیاز داریم. توصیه خدا به نماز در قرآن، فقط جهت حفاظت از خودمان است.**

## ۲) مفهوم دقیق نماز

برای فهم دقیق نماز لطفا جملات زیر را با دقت بخوانید. تصور کنید در طول روز مشغول انجام کارهایی هستید. رانندگی می کنید. مطالعه می کنید. مشغول تفکر در مورد یک موضوع هستید. تفریح می کنید. غذا می خورید. فیلم نگاه می کنید. خیابان گردی می کنید. پیاده روی می کنید و یا مشغول درس خواندن هستید و یا یک آزمایش علمی انجام می دهید و یا قرآن را قرائت می کنید، و یا تجارت می کنید و ...

دراینجا منفی بودن و یا مثبت بودن این امور مهم نیستند. حتی ممکن است که مشغول قرائت قرآن باشید. نماز یعنی قطع این امور و ذکر خدا بمدت دو سه دقیقه. در این دو سه دقیقه فقط باید بخدا فکر کنید و کلمات مخصوصی که ثابت شده هستند مثل سوره فاتحه و الله اکبر و سبحن ربی الاعلی و ... طی قیام، سجده و رکوع را بگویید. باید بدانید که دارید چی میگوئید. نباید مثل طوطی تکرار شود. باید در این دو دقیقه خدا را مخاطب قرار دهید و فقط و فقط برای او باشد. حتی امور مهمی مثل قرائت قرآن و تفکر در آیات خدا هم باید قطع شوند و نماز بجا آورده شود.

نماز برای این است که بشریت در هیچ امری غرق نشود. خدا مخالف تفریح، مطالعه، تجارت و... نیست. اما جهت بهبود روح بشر، نیاز است که این امور در طول شبانه روز ۵ بار قطع شوند و در این ۵ بار به فقط خدا پرداخته شود. تمام انحرافات و منکرات و کارهای بد از همین عدم تقطیعها سرچشمه می گیرد. اگر ترمزی برای افکار، تفریحات، مطالعه، وبگردی، تجارت و ... نباشد، بشر در آن غرق میشود. امور فحشاء و منکر از همین روزنه ها و پیوستگی های مداوم در زندگی پیش می آید.

## ۳) نماز یعنی تقطیع افکار و اوهام

**بعضی از مردم فکر می کنند که نماز محل تفکرات است. ولی برعکس نماز برای قطع نمودن تفکرات و اعمال روزمره ست و محدود شدن تفکر بخدا. در نماز فقط با خدا گفتگو میشود و لاغیر. در نماز تمام افکار قطع نمیشود بلکه تمام تفکر به خدا معطوف میشود. همانطور که در رانندگی باید فقط توجهتان به رانندگی باشه ، در نماز هم باید فقط توجهتان به خدا باشد، باید فقط روی خدا تمرکز کنید. این اصل و اساس یکتاپرستی است. وقتی سوره فاتحه را میخوانید، به معنای آیاتش توجه کنید که در مورد خدا چی میگویید. وقتی میگوئید الله اکبر، باید به معنای آن توجه کنید. به همین خاطر خدا در قرآن می فرماید که اقم الصلوه لذکری (نماز را برای یاد من بپادار) . یعنی نماز نباید محل فرقه گرائی و به رخ کشیدن عقاید فرقه ای باشد. بلکه فقط در مورد خدا باید باشد.**

## ۴) فرق نماز و مدیتیشن دینی!

**قصدم بر این نیست که عبادت را به نماز محدود کنم. تفکر و تعمق در آیات خدا هم عبادت است. شاید بعضی ها مدیتیشن را هم یک نوع عبادت بدانند و آن را جایگزین نماز بدانند. ولی باید دانست که هیچ چیزی جایگزین نماز نخواهد شد. در اینجا چند فرق مهم نماز با مدییتشن را عرض می کنم تا متوجه شوید که مدیتیشن با نماز بسیار متفاوت است. البته در اینجا منظور از مدیتیشن، نوع دینی اش می باشد.**

a) **نماز یک امر دینی است مربوط به خدا ولی مدیتیشن ممکن است یک امر غیر دینی باشد. مثلا برای تمرکز روی یک امر خاصی**

b) نماز یعنی تمرکز بر ارتباط با خدای تنها؛ اما مدیتیشن یعنی تمرکز بر افکار و یا موضوعات خاصی

c) شما هر وقتی میتوانید روی آیات و نشانه های خدا تفکر و تعمق کنید ولی نماز طی وقتهای مشخصی به اندازه مشخصی سجود و رکوع انجام میشود.

d) برای نماز باید وضوء گرفت ولی در مدیتیشن اینطوری نیست.

e) مدیتیشن دینی یعنی گوش دادن به آیات و نشانه های خدا و تفکر در مورد این آیات. اما نماز برعکس آن است، شما گوینده هستی و خدا شنونده و بیننده. در نماز شما مورد توجه خدا قرار میگیری و اینجاست که کمکهای خدا بر مردم نازل میشود. در نماز صدایمان را به خدا، آن خالق هستی میرسانیم و هدفمندانه با او گفتگو میکنیم و تمام توجهمان را به او معطوف میداریم. در حالی که در سایر عبادات مثل قرائت قرآن شما توجهتان را به فهم آیات معطوف می دارید.

f) نماز نباید قطع بشه ولی مدیتیشن میتواند قطع بشود. مدیتیشن شاید با اهداف مختلفی از جمله تعمق در طبیعت، تعمق در آیات، ... انجام بشه ولی نماز صرفا برای ارتباط باخداست. نماز دو سه دقیقه زمان میبرد ولی مدیتیشن میتواند چندین ساعت باشد. در حین مطالعه و تفکر روی آیات خدا میتوانید حتی موسیقی گوش کنید ولی در نماز اینطوری نیست. نماز باعث میشود که این امورات معنوی، تجاری، تفریحی قطع بشود. مثلا کسی که مدام مطالعه میکند، نماز باعث میشود که از جایش بلند شود و حرکات سجده و رکوع را انجام دهد. در این حالت نماز علاوه بر فایده معنوی، باعث تحرک بدنی او خواهد شد و فرد کمتر به آرتروز و سایر بیماریهای ناشی از کم تحرکی مبتلا خواهد شد.

g) البته در مقابل آرتروز بدنی، یک نوع آرتروز و روماتیسم فکری و روحی هم هست که نماز دوای این درد هم هست. وقتی فکر و روح مدام بر یک روال پیوسته و تقطیع نشده باشند، فرد خودبخود دچار فریز و جمود فکری خواهد شد و گرهها و عقده های فکری و ذهنی در او ایجاد خواهند شد. همین گره ها و عقده ها زندگی او را بر هم می زنند. در اینجا براحتی به این مورد پی میبریم که چرا نماز تا این حد مهم است و چرا ستون دین است. تمام پیامبران در وصیت خود به فرزندان و پیروان خویش بر بجا آوردن نماز بسیار تاکید کرده اند.

h) نماز برای بریدن افکار روزمره ست و سویچ به فکر در مورد خداست. ولی در مدیتیشین اینطوری نیست. بعضی ها در حین رانندگی فکر هم میکنند، در حالیکه درنماز نباید روی چیز دیگری تمرکز کنید و تمرکزتان را باید فقط به خدا معطوف کنید. اگر کسی نتواند در نماز، افکار قبل از شروع نماز را قطع کند ، نماز او بی فایده ست. نماز نوعی سویچ افکار است از افکار روزمره و معطوف شدن به سوی خدای تنها.

i) مثلا در حین مهمانی نماز بجا می آوری و کل بحث مهمانی به هم میریزد و در نتیجه بحثهای روزمره حالت تعادل می گیرد.

j) نماز برای بریدن سلسله افکار روزمره ست. حتی بریدن افکار خوب.

k) همانطور که روی یک فیلم تمرکز میکنید ، روی نماز هم باید تمرکز کنید و تفکرات قبلی (قبل از شروع نماز) را رها سازید.

l) نماز محل خواستن چیزی از خدا نیست. زیرا باید مشکلات روزمره را رها سازید و توجهتان را فقط بخدا معطوف کنید.

m) نماز هم حرکت است و هم صدا . صدای نمازگزار نباید زیاد بلند باشد و نباید زیاد هم آهسته باشد بلکه حد متوسط. این مورد در قرآن هم تصریح شده است.

n) حتی در حین جنگ هم باید نماز خواند تا که از جو جنگ برای دو دقیقه هم شده، فرد بیرون آید و در جنگ گرفتار بی عدالتی و جفا و نژادپرستی نشود.

o) بعضی از مردم فکر میکنند که نماز مثل یوگاست و نوعی بی فکری است. در حالی که نماز بی فکری نیست، بلکه قطع افکار روزمره ست و باید فکر را فقط به خدا معطوف داشت. یعنی خدا پرستی در افکار به تمام معنا.

p) بعضی فرقه های عرفانی اسم نماز را ارتباط با کائنات گذاشته اند. این افراد آنقدر مغرورند که حتی حاضر نیستند اسم خدا را ذکر کنند و به خدا میگویند کائنات!!

q) نماز برای از بین بردن تمرکز روی امور روزمره ست. در حالیکه مدیتیشن یعنی تمرکز روی این امور و عکس نماز.

r) بجا آوردن نماز قضا بی معناست، در حالیکه مدیتیشن را میتوان هر وقتی انجام داد. نمازی که وقتش گذشته باشد را دیگر نباید بجا آورد. بلکه باید بفکر نماز بعدی بود و از خدا طلب بخشش کرد. خرید نماز برای مرده هم بی معناست. خرید نماز برای مرده مثل خوراندن غذا به مرده ست! نماز برای از بین بردن تمرکزهای عادی روی امور روزمره ست. اگر کسی در زمان زنده بودنش استفاده کرد، فبها؛ در غیر اینصورت بیفایده ست.

s) خدا میفرماید که اذا قمتم الی الصلوه (هرگاه برای نماز بلند شدید). یعنی جهت بجا آوردن نماز باید بلند شد. یعنی باید از جایی که هستی حرکت کنی و تغییری در وضعیت فعلی خویش بوجود آوری. حتی از نظر فیزیکی.

t) سعی شود که زمانبندی زندگی خویش را براساس اوقات نماز تنظیم کنیم، زیرا که واقعا بسیار دقیق توسط خدای عالمیان طراحی شده اند. مثلا بعد از نماز صبح بیدار شویم.

u) اگر نماز بدرستی اجرا شود، هیچوقت تکراری نخواهد بود و هر روز برای اجرای آن مشتاق تر خواهی بود. خدا روزی ۵ بار به نماز شما توجه میکند و آن را میشنود. تمام خزائن آسمان و زمین نزد خداست. او قطعا نیاز شما را برطرف می کند.

## ۵) هر نمازی از نمازهای ۵ گانه مخصوص است

هر نمازی که اجرا میشود، افکار و حالات شما را از یک امر قطع می کند. مثلا نماز صبح خواب شما را قطع میکند. من مطمئنم که خیلی از بیماریها از زیاد خوابیدن مستمر پیش می آید. نماز ظهر و عصر شما را از تجارت مستمر باز میدارد تا که در آن غرق نشوید. نماز مغرب شما را از اوهام و خیالات و نماز عشاء شما را از شب نشینی های طولانی برحذر میدارد و حفظ میکند.

## ۶) استرسها و مشکلات

نماز، تمام تشویشهای ذهنی ما که چرا در این جهان هستیم و به کجا می رویم و در نهایت چی به سرمان می آید را از بین میبرد. این مفاهیم تماما در سوره فاتحه که در نماز خوانده میشود مطرح شده است.

بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـٰنِ الرَّحِيمِ ﴿١﴾ الْحَمْدُ لِلَّـهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٢﴾ الرَّحْمَـٰنِ الرَّحِيمِ ﴿٣﴾ مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ ﴿٤﴾ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ ﴿٥﴾ اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ﴿٦﴾ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ ﴿٧﴾

به نام خدا بخشنده مهربان( ۱) ستایش خدا را که پروردگار جهانیان، (۲)رحمتگر مهربان، (۳) مالک [و پادشاه] روز جزا [است]. (۴) تو را می پرستیم تنها و بس، بجز تو نجوییم یاری ز کس. (۵) به راه راست ما را راهبر باش، (۶) راه آنهایی که برخوردارشان کرده ای، همانان که نه درخور خشم اند و نه گمگشتگان. (۷)

گاهی آدمی را خیالات بر میدارد نماز یک نوع یادآوری است تا که خوابت نبرد در حین رانندگی زندگی. بیشتر مشکلات و استرسهای انسان از پیوسته بودن اوضاع اوست. بعضی از مردم بوسیله مسافرت و تفریح سعی در گسسته کردن اوضاع خویش دارند. ولی این نوع گسستگی اوضاع فقط چند بار در سال انجام میشود و هیچوقت نمیتواند جایگزین نماز شود. وقتی بوسیله نماز، افکار، اوهام و اذهان او شکسته و قطع شود، در این حالت انفصالی در تفکرات و اذهان فرد بوجود می آید و همین مورد موجب میشود که فرد در آن تفکرات و اوهامات غرق نشود. شیاطین و اجنه در طول روز چنان آدمی را دچار خیالات و توهمات می کنند که اگر این خیالات قطع نشود، باعث تسلط آنان بر روح فرد خواهد

شد. خدا میگوید نماز را بجا آورید تا از این تسلط نامحسوس شیاطین و اجنه رهایی یابید. وقتی در نماز رو به خدا می کنید و با او گفتگو میکنید، دیگر شیاطین و اجنه روح این فرد را مناسب لانه خود نمی بینند و فرار می کنند.

وَمَنْ يَعْشُ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقَيِّضْ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ ﴿۳۶﴾

و هر کس از یاد [خدای] رحمان دل بگرداند بر او شیطانی می گماریم تا برای وی قرین و رفیق باشد (۳۶)

یادآوری خدا در طول روز به تعداد ۵ بار باعث یادآوری نقش خدا در زندگی ما میشود. وقتی تو بدانی که خدا آنکسی است که در سوره فاتحه میگوئید، در آنصورت زندگی و آخرت تو در دستان اوست و غرق شدن در اوهام و ترسها و طمعها بی معنی ست.

## ۷) شعیب و نماز خواندن او

وقتی شعیب مردمش را به سوی خدا دعوت میکند و آنان را به عاقبت کم فروشی و گرانفروشی هشدار میدهد، مردمش او را مسخره می کنند و میگویند که ای شعیب آیا نمازت اینچنین به تو دستور میدهد که ما کم فروشی نکنیم!

قَالُوا يَا شُعَيْبُ أَصَلَاتُكَ تَأْمُرُكَ أَنْ نَتْرُكَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا أَوْ أَنْ نَفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ إِنَّكَ لَأَنْتَ الْحَلِيمُ الرَّشِيدُ ﴿۸۷﴾

گفتند ای شعیب آیا نماز تو به تو دستور می دهد که آنچه را پدران ما می پرستیده اند رها کنیم یا در اموال خود به میل خود تصرف نکنیم راستی که تو بردبار فرزانه ای (۸۷)

**این حرف قوم شعیب هر چند از راه تمسخر شعیب گفته شده است، ولی در عین حال درست است. آنها ناخواسته مشکل خویش را مطرح کردند. کم فروشی و گرانفروشی قوم شعیب دقیقا بعلت عدم انجام نماز بوده است. آنها هیچوقت حاضر نبوده اند که روزی ۵ بار برای خدا، افکار و تجارت و امور روزمره خویش را قطع کنند، همین پیوسته بودن کار آنها باعث شد که آنها در امر ناپسند کم فروشی و یا گرانفروشی بیفتند. هم اکنون تعدادی از مردم و مسئولین ایران هم که اکثرا نماز واقعی را بپا نمی دارند، در همین منجلاب کم فروشی و گرانفروشی افتاده اند و عقاب خدا را برای خود میخرند.**

**اتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْکَ مِنَ الْکِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْکَرِ وَلَذِکْرُ اللَّهِ أَکْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ ﴿۴۵﴾**

آنچه از کتاب به سوی تو وحی شده است بخوان و نماز را برپا دار که نماز از کار زشت و ناپسند باز می دارد و قطعا یاد خدا بالاتر است و خدا می داند چه می کنید (۴۵)

**خدا می فرماید که نماز انسان را از کارهای زشت و ناپسند باز می دارد.**

## ۸) قرائت قرآن و نماز تراویح

**در یک گفتمان در مورد نماز صحبت شد، یک فردی آمد و تعریف جدید از نماز ارائه داد. گفت که نماز قرائت قرآن است همراه با تفکر و توجه به سمت خدا. او طریقه نماز خواندن خود را یک ربع گوش دادن به قرآن و تفکر در مورد**

آیات قرآن و همزمان قدم زدن در پارک اعلام کرد. هر چند که او در سایر موارد تفکرات یکتاپرستی داشت، ولی متاسفانه خودش را از یاد برده بود. قرائت قرآن و انجام نماز دو امر جداگانه هستند و هیچکدام نمیتواند جایگزین دیگری باشد. متاسفانه بعضی از مسلمانان با ابداع نماز تراویح که در اصل نماز نیست و بیشتر قرائت قرآن است، باعث گم کردن اهداف نماز شدند. نماز تراویح شاید چند دقیقه اش نماز باشد ولی بقیه اش قرائت قرآن است. یعنی ۹۵ درصد بیشترش قرائت قرآن است. کسی نمی گوید که قرائت قرآن عبادت نیست ، بلکه بسیار هم مناسب و بجاست ولی نماز یک امر جداگانه ست و نباید با قرائت و یا ترتیل قرآن قاطی شود. به همین خاطر خدای مهربان تلاوت قرآن و انجام نماز را دو امر جداگانه میداند.

**إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَنْ تَبُورَ ﴿۲۹﴾**

در حقیقت کسانی که کتاب خدا را می خوانند و نماز برپا می دارند و از آنچه بدیشان روزی داده ایم نهان و آشکارا انفاق می کنند امید به تجارتی بسته اند که هرگز زوال نمی پذیرد (۲۹)

در آیه بالایی ۱-تلاوت قرآن،۲- اقامه نماز ،۳- انفاق هرکدام یک امر جداگانه هستند و هرکدام نقش خودشان را دارند.

متاسفانه بعضی از مسلمانان بعد از سوره فاتحه که مخصوص نماز نازل شده است، یک مقدار دیگر از یک سوره دیگر هم میخوانند که اصولا معنا و مفهوم نماز را از بین برده است. بیشتر آنان قل هوالله احد .. را میخوانند. آنها در نماز بخدا دستور میدهند که بگو خدا یکی است! درحالی که در نماز، مخاطب خداست. یا بعضی از آنان بعد از سوره فاتحه، آمین می گویند

که اشتباه است. آمین کلمه ای است که بنی اسرائیل در زمانی که تحت سیطره فرعون در مصر بودند وارد نماز کردند. این کلمه اصلا عربی نیست و از خدای باستانی مصریان آمون گرفته شده است.

## ۹) نماز دارای حرکات سجود و رکوع است

بعضی ها هم حرکات سجود و قیام و رکوع را از نماز حذف کرده اند. جهت باطل کردن این ادعا لطفا آیه زیر را ببینید. این آیه در مورد نماز حین جنگ صحبت میکند.

وَإِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ فَلْتَقُمْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ فَإِذَا سَجَدُوا فَلْيَكُونُوا مِنْ وَرَائِكُمْ وَلْتَأْتِ طَائِفَةٌ أُخْرَى لَمْ يُصَلُّوا فَلْيُصَلُّوا مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ وَأَسْلِحَتَهُمْ وَدَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُمْ مَيْلَةً وَاحِدَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ كَانَ بِكُمْ أَذًى مِنْ مَطَرٍ أَوْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَنْ تَضَعُوا أَسْلِحَتَكُمْ وَخُذُوا حِذْرَكُمْ إِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا ﴿۱۰۲﴾

و هر گاه در میان ایشان بودی و برایشان نماز برپا داشتی پس باید گروهی از آنان با تو [به نماز] ایستند و باید جنگ‌افزارهای خود را برگیرند و چون به سجده رفتند [و نماز را تمام کردند] باید پشت سر شما قرار گیرند و گروه دیگری که نماز نکرده اند باید بیایند و با تو نماز گزارند و البته جانب احتیاط را فرو نگذارند و جنگ‌افزارهای خود را برگیرند [زیرا] کافران آرزو می کنند که شما از جنگ‌افزارها و ساز و برگ خود غافل شوید تا ناگهان بر شما یورش برند و اگر از باران در زحمتید یا بیمارید گناهی بر شما نیست که جنگ افزارهای خود را بر زمین نهید ولی مواظب خود باشید بی گمان خدا برای کافران عذاب خفت آوری آماده کرده است (۱۰۲)

لطفا آیه را با دقت بخوانید. آیه به وضوح بر حرکات نماز تاکید می کند. می فرماید که : و

هر گاه در میان ایشان بودی و برایشان نماز برپا داشتی پس باید گروهی از آنان با تو [به نماز] ایستند و باید جنگ‌افزارهای خود را برگیرند و چون به سجده رفتند [و نماز را تمام کردند] باید پشت سر شما قرار گیرند و گروه دیگری که نماز نکرده اند باید بیایند و با تو نماز گزارند.

سجده و رکوع جزو ارکان نماز است و نماز بدون حرکات سجده و رکوع امکان پذیر نیست. وقتی سجده ای در نماز باشد، حتما رکوعی هم بوده است. زیرا برای رسیدن به حرکت سجده باید از قبل حرکت رکوع را انجام داد. این آیه تمام کید کسانی که سجود را از نماز حذف کرده اند، بر باد میدهد.

## ۱۰) نماز را پیامبر محمد بوجود نیاورده است

آیه ۱۳۰ سوره بقره:

**وَ مَنْ يَرْغَبُ عَنْ مِلَّةِ إِبْراهيمَ إِلاَّ مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ وَ لَقَدِ اصْطَفَيْناهُ فِي الدُّنْيا وَ إِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحينَ**

و کیســت که روی برگرداند از کیش ابراهیم مگر آنکه نشــناخت نفس خود را و هر آئینه برگزیدیم او را درین سرای و هر آئینه او در سرای دیگر از شایستگان است.

انســان در فراموش کردن خدا، از هر موجودی ســبقت می گیرد. خدای مهربان می فرماید که :

و کیســت که روی برگرداند از کیش ابراهیم مگر آنکه نشــناخت نفس خود را و هر آئینه برگزیدیم او را درین سرای و هر آئینه او در سرای دیگر از شایستگان است.

خدای مهربان نماز، روزه، زکات و حج را از زمان ابراهیم بر تمام مسلمانان نوشته و آنان را به انجام این فرایض مهم امر فرموده اســت. بعضی ها فکر می کنند که نماز و روزه و حج و

زکات را پیامبر محمد بوجود آورده است. این افراد در اشتباه کامل به سر می برند. حتی عده ای فکر می کنند که اسلام را پیامبر محمد بوجود آورده است! غافل از اینکه دین تمام پیامبران از ابراهیم گرفته تا موسی و عیسی و محمد اسلام بوده است. خدای مهربان برای موسی و عیسی و ابراهیم و پیامبران صراحتا کلمه مسلمان را بکار می برد. بله درست خواندی؛ دقیقا کلمه "مسلمان".

## ۱۱) جزئیات نماز

بعضی از مسلمانان سنتی جهت توجیه پیروی از روایات و احادیث، می گویند که جزئیات نماز در قرآن ذکر نشده است و بعد نتیجه می گیرند که آنها برای این کار به حدیث و روایات نیازمند هستند! باید بیاد آوریم که تکالیف دینی (نماز– زکات – روزه – حج ) از پیامبر ابراهیم به پیامبر محمد رسیده است و پیامبر محمد در این مورد پیرو پیامبر ابراهیم بوده است. نماز در تمام ادیان آسمانی بعد از ابراهیم بوده است و همه آنها نماز به جا می آورده اند. اما بعد از مدتی آنها نماز را ضایع (تحریف) و ترک کردند. مسیحیان نمازها را گم و ضایع کردند و از نتایج آن رنج میبرند زیرا که مناسک مذهبی هدیه ای است از طرف خدا به جامعه بشریت. هر جامعه ای آن را حفظ کند، بیشتر به خدای مهربان نزدیکتر است.

[۱۹:۵۹] فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَوةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غَيًّا

[۱۹:۵۹] پس از آنها، او نسل هایی را جایگزین آنان کرد که نمازها (ارتباط با خدا) را ضایع کردند و از شهوات خود پیروی نمودند. آنها از نتایج آن رنج خواهند برد.

## ۱۲) آثاری از حرکات نماز در یهودیت و مسیحیت هنوز بجا مانده است

بـااین همـه انحرافـات، همیشـــه عـده ای بوده انـد که نماز را حفظ کرده اند. افرادی مثل نصـرانیان (شاخه ای از مسیحیان) آن را حفظ کردند. بطوریکه نصرانیان فعلی در سوریه و حلب دقیقا مثل ما نماز میخوانند (۱۷ رکعت در شـبانه روز) و همچنین یهودیهای مســکو هنوز هم نمازشـان را دقیقا با همان حرکات به جا می آورند. حفظ نمازمسـئولیتی اسـت بر دوش بشـــریت، اگر ما اینقدر بی مســئولیت باشــیم که نمازها را گم کنیم، نماز نخواندن شایسته ماست. آیاتی از قرآن اشاره به بجا آوردن نماز در امتهای پیشین دارد.

[۳۱:۱۷] يَبُنَيَّ أَقِمْ الصَّلَوةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنْ الْمُنكَرِ وَاصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَکَ إِنَّ ذَلِکَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ

[۳۱:۱۷] "ای پســـر من، نمـازها (ارتباط با خدا) را به جا آور. طرفدار پرهیزکاری باش و پلیدی را منع کن و در برابر سختی ها صبور باش. اینها از برجسته ترین صفات است.

[۱۹:۵۵] وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَوةِ وَالزَّكَوةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا

[۱۹:۵۵] او بـه خـانواده اش ســفــارش می کرد تا نمازها (ارتباط با خدا) را به جا آورند و زکات (انفاق واجب) را بدهند؛ او مورد قبول پروردگارش بود.

[۲۰:۱۳۲] وَأْمُرْ أَهْلَکَ بِالصَّلَوةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْـئَلُکَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُکَ وَالْعَقِبَةُ لِلتَّقْوَى

[۲۰:۱۳۲] بـایـد به خانواده خود ســفارش کنی تا نمازها (ارتباط با خدا) را به جا آورند و صـبورانه در انجام آن ثابت قدم باشـند. ما از تو روزی نمی خواهیم؛ ما هستیم که روزی تو را فراهم می کنیم. پیروزی نهایی متعلق به پرهیزکاران است.

## ۱۳) مسیحیان نماز ها را گم کرده اند و مسلمانان نماز را ضایع کرده اند

مسیحی ها نمازها را گم کردند و عده ای از مسلمانان فعلی هم نمازها را ضایع کرده اند، بطوریکه نام غیر خدا را وارد نماز نموده اند. نماز سیستم مشخصی است که طی(قیام و سجود و رکوع ) پنج بار در شبانه روز انجام میشود. قرآن تعلیم می دهد که ابراهیم بدون شک بنیان گذار اسلام به روش امروزی است. دعای ارتباطی(نماز) را مخالفان محمد هم می خواندند. تمام جوامع عرب قبل و بعد از زمان محمد رسول خدا، پیرو دین ابراهیم بودند. از این قرار، ابو لهب، ابو جهل و مشرکین قریش نمازهای پنج گانه را مانند ما انجام می دادند، به استثناء فاتحه ابراهیمی بجای فاتحه قرآنی. فاتحه قرآنی با نزول قرآن جایگزین فاتحه ابراهیمی شد. نماز آنقدر مهم است که اولین سوره قرآن به نماز اختصاص یافته است و مخصوص نماز است. حتی نصرانیهای زمان پیامبر محمد هم دقیقا نمازهای پنجگانه را مثل ما میخواندند. در تاریخ ذکر شده است : مسلمانانی که به طایف رفته بودند و آنجا نماز میخواندند مشرکان به آنها میگفتند که آنها نصرانی شده اند.

## ۱۴) آیا نماز در حدیث موجود است؟

در حقیقت پیامبر محمد و همراهانش در اولین روز بعثت و حتی قبل از آن نماز میخواندند. حتی یک حدیث (برای نمونه یک حدیث) یافت نمیشود که کسی از مسلمانان در زمان محمد رسول خدا از او پرسیده باشد که نماز خواندن چطوری است؟ حتی اگر طریقه نماز خواندن هم در کتب حدیث موجود باشد (که موجود نیست و تا حالا کسی نتوانسته است

براساس حدیث، نماز بجا آورد)، باز هم خود مسلمانان طریقه نماز را از حدیث یاد نگرفته اند و معلوم نیست که چرا باید از چیزی دفاع کرد که فایده ای ندارد.
متاسفانه شیطان این را به مردم القا کرد که نماز در قرآن نیست و جزئیات دین ناکامل است سپس آنان را به سمت کتب حدیث متمایل کرد، غافل از اینکه، وعده های شیطان سراب است و در واقع شیطان به آنان دروغ بسیار بزرگی وعده داده بود؛ زیرا آنچه که شیطان میگفت در کتب حدیث نبود. دروغی که شیطان گفت، شبیه همان دروغی بود که جدمان آدم را با آن وسیله از بهشت بیرون کرد. این خواست خدای متعال است که طرفداران کتب حدیث با جستجوی تمام کتب حدیث به طریقه انجام نماز نخواهند رسید.
خدای مهربان نسل به نسل حرکات نماز را حفظ کرده است و حتی در زمان پیامبر، نماز کامل به جا آورده میشد و کسی هم از پیامبر سوال نکرد که حرکات نماز را برای ما بنویس. کتابهای حدیث پر است از مطالب گمراه کننده. هیچکس برای یک ذره شیر، یک گاو با جنون گاوی را نمی خرد. برای دانستن چیزی که همه بلدند، کسی نباید حدیث و سنت را منبع دینش قرار دهد. حرکات نماز را همه مسلمانان میدانند. واقعا پس چرا ما خود را در انبوهی از احادیث شک و گمان، سرگردان کنیم؛ در حالی که طریقه نماز خواندن در احادیث نیست.

تمام حرکاتی که یک نمازگزار باید انجام دهد در قرآن به صراحت ذکر شده است همچون ایستادن (۳:۳۹ و ۳۹:۹) رکوع و سجود (۲:۴۳ و ۹:۱۱۲ و ۳:۴۳).

زمان پنج وعده نماز صراحتا در قرآن ذکر شده است:

۱- نماز صبح : ۲۴:۵۸
۲- نماز ظهر :۱۷:۷۸
۳- نماز عصر :۲:۲۳۸
۴- نماز مغرب :۱۱:۱۱۴

۵- نماز عشا :۲۴:۵۸ و ۱۱:۱۱۴

تمام حرکات و کلمات نماز در قرآن از طریق ریاضی اثبات شده است. انشاءالله در مقاله جداگانه به این مساله پرداخته میشود.

## ۱۵) چرا طریقه و ترتیب حرکات نماز در قرآن نیامده است؟

بعضی امور برای اعراب آنزمان آشنا بوده است و هیچ گنگی برای آنها وجود نداشته است. وقتی خدا به مسلمانان دستور میدهد که نماز بجا آورید، کسی از خود سوال نکرد که چطوری نماز بخوانیم؛ چرا؟ زیرا قیام و رکوع و سجود در نماز برای آنها آشنا بوده است. آنها میدانستند که چطوری نماز بجا آورند. بطور مثال ، خدا در قرآن از روزهای هفته فقط دو روز شنبه و جمعه را ذکر کرده است. آیا میتوان نتیجه گرفت که هفته دو روز است؟! روزهای هفته را همه مردم میدانستند و جزو اطلاعات عمومی آنان بوده است. وقتی خدا ماههای دوازده گانه را در قرآن ذکر می کند، فقط اسم یک ماه (رمضان) را ذکر میکند. آیا با این وضع ما دیگر ترتیب ماههای سال را نباید بدانیم. بعضی مسائل که در قرآن گفته نشده است، دلیل بر حذف آن نیست.

وقتی خدا برای نماز کلمه الصلوه را بکار میبرد، یعنی ال+ صلوه . ال در عربی به معنای اسم معرفه ست. یعنی الصلوه برای مردم واضح بوده است و مبهم نبوده است. این خواست خداست که خدا در قرآن برای نماز ترتیب حرکات را ننوشته است و این امر نسل به نسل به ما رسیده است. هرچند از طریق معجزه ریاضی قرآن همین حرکات که به ما رسیده است ، اثبات میشود.

وقتی خـدا میگوید که نماز قیام و رکوع و ســـجود دارد، قطعا این حرکات در میان خویش شـامل قعود (نشـسـتن) هم خواهد بود. وقتی سـجده باشد، حتما رکوعی در کار است. زیرا برای سجده باید اول قیام و بعد رکوع بجا آورد.

## ۱۶) اقامه کردن در مقابل ضایع کردن

[۱۹:۵۹] فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَوٰةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَٰتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غَيًّا

[۱۹:۵۹] پس از آنهـا، او نســـل هـایی را جـایگزین آنان کرد که نمازها (ارتباط با خدا) را ضایع کردند و از شهوات خود پیروی نمودند. آنها از نتایج آن رنج خواهند برد.

ضـایع کردن نماز همانا و تبعیت از شهوات همانا. در قرآن در مقابل کلمه اقامه نماز، ضایع کردن نماز ذکر شده است. ضایع کردن نماز وجوه متفاوتی دارد. وقتی معنای ضایع کردن نماز را بدانیم، خیلی بهتر معنای اقامه کردن را خواهیم فهمید. زیرا اقامه کردن وجه مقابل ضـایع کردن است. ذکر نام غیر خدا در نماز، کاهش دادن تعداد نمازها، گم کردن نمازها. هر قوم و مذهبی متاسفانه در حق نماز کاستی هایی انجام داده است. مسیحیان نمازها را کلا گم کردند. آنها گفتند که نماز همان دعاســـت که در کلیســـا می خوانیم و به این طریق به هفته ای یکبار تقلیلش دادند. در ضمن آنها با این کار نماز را به فقط کلیسا محدود کردند. هرچند که آثاری از نماز در میان یهودیان یافت میشـود ولی معنا و مفهوم خود را از دست داده اسـت. مسـلمانان سـنتی متاسفانه نام غیر خدا را در تشهد وارد کردند و به این طریق معنا و هدف اصـلی نماز را از بین بردند. خدا می فرماید اقم الصـلوه لذکری . یعنی نماز را فقط برای یادآوری من برپادار. در تشـهد نماز فقط و فقط باید به یگانگی خدا شـهادت یاد شود و لاغیر.

ضـایع کردن نماز یعنی نماز بیهوده اسـت و بیفایده است. مثل درخت بی ثمر و بی فایده با میوه ضایع و گندیده. یعنی آن هدفی که نماز دارد، برآورده نمیشود.

## ۱۷) طبقه ای از جهنم به نماز نگذاران اختصاص می یابد.

**خـدا جهنم را بـه هفـت طبقـه تقسـیم میکند. یک طبقه از آن سـقر نام دارد که این طبقه مخصوص کسانی است که نماز نمی گذارند.**

**مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرَ ﴿۴۲﴾ قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ ﴿۴۳﴾**

چـه چـیـز شـمـا را در آتـش [سـقـر] درآورد (۴۲)
گویند از نمازگزاران نبودیم (۴۳)

**شـاید تعجب کنید که این سـوال را نگهبانان دوزخ از مجرمین نمی پرسند، بلکه بهشتی ها از آنان می پرسـند که چرا شـما وارد سـقر شـده اید؟ آنها میگویند که ما از نمازگزاران نبودیم. خود کسـانی که در سـقر وارد شـده اند ، دلیل جهنمی شـدن خود را بطور واضـح میـداننـد. نمـاز بجـا نیـاوردن! البتـه آنها همین دلیل را در این دنیا بصـورت دیگری اعلام میدارند، آنها میگویند که نماز بر آنان بی تاثیر است و نماز نخواندن بهتر است!**

**اگر نماز درسـت بجا آورده نشـود، ضـایع شـده اسـت و دقیقا مثل این است که بجا آورده نشده است. ضایع کردن نماز هم یعنی: ذکر نام غیر خدا در نماز، حذف سجده و رکوع، بی توجه نماز خواندن، سهل انگاری در انجام نماز و انجام نماز برای ریا و ...**

**اگر افرادی به اسـم مذهب نماز را خراب میکنند و در کنار نماز هر کار بدی انجام میدهند، دلیل بر بی تاثیر بودن نماز نیسـت، بلکه دلیل بر ضـایع شـدن نماز آنان اسـت. نماز ضـایع شده، مثل میوه ضایع شده است و بیفایده است. به همین خاطر خدای حکیم دستور میدهد که در حالت مستی و خماری و خیالات و توهمات نماز بجا نیاورید. زیرا نماز ضایع میشود و بیفایده است.**

الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ ﴿۲۳﴾

همان کسانی که بر نمازشان پایداری می کنند (۲۳)

وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ ﴿۳۴﴾

و کسانی که بر نمازشان مداومت می ورزند (۳۴)

الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ ﴿۵﴾

که از نمازشان غافلند (۵)

الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ ﴿۲﴾

همانان که در نمازشان فروتنند (۲)

پایان